

فصل‌نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر

شماره پیاپی: سی و دوم - تابستان ۱۳۹۶

از صفحه ۵۲ تا ۶۸

تمثیل (مثالک) و کاربرد آن در کلیدر (جلد اول و دوم)*

سیدجمال حسینی^۱

دانشجوی گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

عباس کی منش^۲

استاد گروه زبان و ادبیات فارسی هیأت علمی دانشگاه تهران

آذر دانشگر^۳

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

چکیده:

تمثیل از انواع ادبی شمرده می‌شود که در زبان عامه و سخنوران کاربردی چشمگیر داشته است. تمثیل، زبان مشترک انسان‌ها و وسیله‌ی بیان احساسات و تجربه‌های مشترک انسانی است به گونه‌ای که هم شنونده و هم گوینده در آن سهم دارند و این شراکت منجر به حس التذادی می‌گردد که ریشه در فطرت، هویت و فرهنگ مردم دارد. کلیدر رمان حجیمی است که حوادث آن اگرچه مبتنی بر زندگی واقعی انسان‌ها است اما زبان شخصیت‌های این اثر انباشته از مثالک‌های کوتاهی است که بازتاب دهنده‌ی فرهنگ و هویت جامعه‌ی کوچک آنهاست. جامعه‌ای که نمادی از جوامع مشابه خویش در دوره‌ای از تاریخ این سرزمین است. این پژوهش به انواع تمثیل در اثر کلیدر پرداخته است و از شواهد به دست آمده این نتیجه حاصل شده که مثالک‌ها حیوانی «فابل» پرکاربردترین نوع تمثیل در این اثر داستانی است که در خدمت توصیف درآمده است.

کلید واژه‌ها: تمثیل، مثالک، فابل، رمان، کلیدر.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱/۲۷

پست الکترونیکی: gamalhossein55@yahoo.com

پست الکترونیکی: Abbaskaymanesh.yahoo.com

مقدمه

رمان کلیدر پس از انقلاب ۵۷ منتشر شد. این رمان رویدادهایی را بازگویی می‌کند که در محیط عشایری و روستایی خراسان به وقوع می‌پیوندد و در واقع رمان اجتماعی-حماسی است و داستان به مبارزه‌ی دهقانی-عشیره‌ای می‌پردازد که در خاتمه به قیام علیه حاکمیت وقت منجر می‌شود. این زمینه‌ی فکری در دولت آبادی با کلیدر آغاز نشده بود بلکه به رمان‌هایی چون جای خالی سلوچ باز می‌گردد و در کلیدر ادامه می‌یابد و بعدها به رمان روزگار سپری شده مردم سالخورده انتقال می‌یابد.

شخصیت‌های این رمان‌ها مردم محروم و فقرزده‌ای هستند که راوی ماجراهای تلخ و محرومیت‌های خویش‌اند. زبان آنها نه زبان سخنوران و روشنفکران که زبان عامه است با همه‌ی ویژگی‌های متعلق به این زبان.

سادگی زبان و بیان، ناپیدا بودن گوینده (خصوصاً در جمله‌های قصار)، خاستگاه نامشخص، تعدد روایات و تکرار، شفاهی بودن شکل انتقال، درون مایه‌های گوناگون، کارکردهای متنوع، مخاطب عام داشتن، رعایت نکردن قواعد ادبی و تحریف و دگرگونی زبانی به اقتضای شرایط و زمان و وسعت دامنه‌ی تاریخی و اجتماعی از ویژگی‌های زبان عامه است که بسیاری از این شاخص‌ها در زبان تپ‌ها و شخصیت‌های رمان کلیدر آشکار و مشهود است.

محمّد علی حق شناس مراتب زبان فارسی را به سه بخش ادبی، مهذب و عامیانه و بخش عامیانه را به محاوره‌ای، جاهلی، لاتی و چاله میدانی تقسیم می‌نماید. (ر.ک حق شناس، ۱۳۷۹: ۶۲)

در زبان عامه استفاده از برخی ابزارهای بلاغی، چون کنایه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، لغزها، چیستان‌ها و تمثیل‌ها رایج است و بهره‌مندی از بعضی ابزارهای زبانی چون حذف، ابدال، قلب، همگونی، ناهمگونی، درج، مرکب‌های اتباعی و اصوات در ساختار طبیعی زبان عامه، امری طبیعی و عادی محسوب می‌شود.

یکی از ابزارهای بلاغی دیرینه که همواره مورد توجه سخنوران و عامه قرار داشته تمثیل است. تمثیل از اصطلاحات مبهم در نقد ادبی است که معانی گوناگونی برای آن آورده‌اند لذا کنکاش و پژوهش در این زمینه می‌تواند امری راهگشا باشد.

سؤال تحقیق

- تمثیل‌های به کار رفته در کلیدر کدامند؟
- تمثیل‌های کلیدر بر کدام گونه از انواع تمثیل‌ها انطباق دارند؟
- تفاوت‌ها و تشابه‌های تمثیل‌های کلیدر با تمثیل‌ها رایج در چیست؟
- بسامد چه نوع تمثیلی در کلیدر چشمگیرتر است؟

فرضیه تحقیق

- تمثیل‌های به کار رفته در رمان‌ها با تمثیل‌های رایج در ادبیات کلاسیک متفاوتند.
- تمثیل‌های کلیدر ویژگی‌های زبان عامه را دارند.
- تمثیل‌های کلیدر غالباً از نوع مثالک‌های حیوانی «فابل» هستند.

پیشینه تحقیق

در زمینه تعریف، اقسام، ماهیت و کارکرد تمثیل تحقیق‌های فراوانی انجام شده است. مانند:

مقاله تمثیل، ماهیت، اقسام، کارکرد، از محمود فتوحی چاپ شده در مجله دانشکده ادبیات علوم انسانی (۱۳۸۳-۱۳۸۴)

• مقاله تمثیل و ادبیات تمثیلی، از سید احمد حسینی کازرونی چاپ شده در فصل‌نامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی (۱۳۹۴)

• مقاله نگرشی به تمثیل در ادبیات تعلیمی، از سیداحمد حسینی کازرونی چاپ شده در فصل‌نامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی (۱۳۹۴)

• مقاله‌نگاهی به تمثیل‌های نمادین در مرزبان نامه، از مسعود پاکدل چاپ شده در فصل‌نامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی (۱۳۹۴)

مقاله‌های فراوانی در زمینه تمثیل در اشعار شاعرانی چون نظامی، مولوی، صائب و بسیاری دیگر به رشته تقریر درآمده است. راقم این سطور تاکنون در زمینه تمثیل در رمان‌های معاصر پژوهشی را مشاهده ننموده است لذا با این تصور که قدم در راهی تازه می‌گذارد، اقدام به پژوهش در این زمینه نموده است.

روش تحقیق

روش به کار گرفته در این پژوهش، توصیفی تحلیلی است. یعنی نگارنده با استخراج تمثیل‌ها، از رمان کلیدر و دسته بندی آن‌ها، مستندات لازم را برای بررسی فراهم آورده است تا گونه‌ای از تمثیل را در زبان عامه در رمان کلیدر به نمایش بگذارد.

هدف تحقیق

با وجود تعریف‌های متنوع و رایج از تمثیل در بلاغت زبان فارسی، تعریف تمثیل در زبان عامه و یا کارکرد آن با ادبیات کلاسیک متفاوت است لذا مساعی نگارنده آن است که تمثیل را در زبان عامه معرفی نماید و در این زمینه از شواهد زبانی شخصیت‌های کلیدر بهره می‌جوید.

تمثیل، انواع و کاربرد آن

تعریف تمثیل

در کتب بلاغی تمثیل زیرمجموعه تشبیه است و آن را شاخه‌ای از تشبیه شمرده‌اند. فتوحی در مقاله «تمثیل، ماهیت، اقسام، کارکرد» معتقد است که در زمینه تمثیل چهار دیدگاه وجود دارد:

دیدگاه نخست: تمثیل را مترادف و هم معنی با تشبیه می‌داند.
دیدگاه دوم: تمثیل را نوعی تشبیه می‌داند که وجه شبه آن، مرکب از امور متعدد باشد.
دیدگاه سوم: تمثیل را از زمره‌ی استعاره و مجاز می‌شمارند و آن را از تشبیه جدا می‌کنند.
دیدگاه چهارم: تمثیل را داستانی می‌شمارند که پیامی در خود نهفته دارد. (معادل الیگوری در بلاغت فرنگی، ۱۳۸۳-۱۳۸۴: ۱۵۰)

انواع تمثیل

تمثیل را می‌توان از منظر صوری و محتوایی به دو بخش تقسیم نمود که در زیر به انواع آن اشاره‌ای مختصر می‌شود:

الف) انواع تمثیل از لحاظ صوری:

• مثل: قولی کوتاه و مشهور که حالت یا کاری را بدان تشبیه کنند و غالباً شکل نصیحت آمیزی از ادبیات عامیانه است که محصول ذهن عوام و مبتنی بر تجربه‌های عادی زندگی است این شکل را ضرب‌المثل نیز گویند که غالباً صورت فشرده‌ی یک داستان است. پورنامداریان (۱۳۷۵: ۱۱۳-۱۱۵)

• اسلوب معادله: اسلوب معادله بیتی است که در یک مصراع آن، شاعر یک اندیشه یا مفهوم ذهنی را بیان می‌کند و در مثال دوم، مثالی از اشیا و طبیعت برای اثبات ادعای خود می‌آورد و آن را معادلی برای آن ادعای ذهنی قرار می‌دهد. در اسلوب معادله به جای شباهت میان دو سوی بیت، میان دو مصراع وجود دارد. شاعر در مصراع اول چیزی می‌گوید و در مصراع دوم چیزی دیگر، اما دو سوی معادله از رهگذر شباهت قابل تبدیل به یکدیگرند. (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۸۴)

• حکایت حیوانات: حکایتی کوتاه و آموزنده که شخصیت‌های آن حیواناتی هستند که سرشت انسانی دارند. این نوع تمثیل در زبان اروپایی «فابل» نامیده می‌شود و هدف از این گونه تمثیل‌ها آموزش یک اصل اخلاقی است. (رضایی، ۱۳۸۲: ۱۱۲) مانند حکایات

کلیله و دمنه، مرزبان نامه و...

• حکایت انسانی: در ادبیات اروپاییان به پارابل معروف است. حکایتی کوتاه حاوی نکته‌ای اخلاقی با شخصیت‌های انسانی مانند حکایت بوستان و گلستان. (شمیسا، ۱۳۷۰: ۲۸۹؛ تقوی، ۱۳۷۶: ۹۴-۹۵)

• مثالک: اشاره به حکایتی دارد که آن چنان مشهور است که با اشاره به عنوان آن، مخاطب آن را درمی‌یابد. و از لحاظ ساختاری متشکل از عبارات کوتاهی است. (فتوحی، ۱۳۸۳-۱۳۸۴: ۱۶۶)

ب) انواع تمثیل از نظر محتوا:

• تمثیل اخلاقی که درون مایه‌ی آن یک نکته اخلاقی است. مانند: حکایت بوستان و گلستان سعدی، کلیله و دمنه و مرزبان نامه.

• تمثیل سیاسی تاریخی که حوادث تاریخی و سیاسی را باز می‌نمایاند مانند: موش و گربه عبید زاکانی.

• تمثیل اندیشه، در این گونه تمثیل قصه به گونه‌ای طراحی می‌شود که نظر یا اندیشه‌ی گوینده را به خواننده منتقل می‌کند. مانند: برخی از حکایت‌های مثنوی.

• تمثیل رمزی، حکایتی است که در آن غرض اصلی گویند مبهم است. مانند: منطق الطیر عطار.

• تمثیل رؤیا، روایتی تمثیلی است که در آن راوی در عالم خواب، سفری روحانی را آغاز می‌کند و پس از بیداری آن را برای دیگران روایت می‌کند. مانند معراج نامه‌ها.

• منظور از تمثیل در این پژوهش، مثالک‌هایی است که شخصیت‌های رمان کلیدر آن را بر زبان می‌رانند و در محیط اجتماعی، فرهنگی و زبانی آنان مشهور و رایج است زیرا شنوندگان این مثالک‌ها در رمان، آن را می‌شناسند و بدان واکنش نشان می‌دهند. البته باید توجه داشت، ساختار، معنا، مقصود و کاربرد این مثالک‌ها ویژه و مختص رمان کلیدر است که در بررسی مثالک‌ها بدان‌ها خواهیم پرداخت.

کاربرد تمثیل

زبان تمثیل مناسب‌ترین شیوه‌ای است که با آن می‌توان معارف عقلی و مفاهیم معنوی را برای سایرین تبیین و تشریح کرد. زیرا زبان، تصویر دگرگونه معناهاست که گاه کاربرد توصیفی و گاه علمی و گاه تمثیلی می‌یابد. کتب دینی چون قرآن، بر کاربرد تمثیل در تعلیم و تربیت تأکید می‌ورزد:

لقد ضربنا للناس فی هذا القرآن من کل مثل لعلمهم یتذکرون. (زمر / ۲۷)

«همانا ما در این قرآن برای هدایت مردم از هرگونه مثل‌های روشن آوردیم، باشد که خلق متذکر آن شوند.»

از نظر تجربی در میان عامه، تمثیل وسیله و عامل اصلاح، بازسازی و درمان تعارضات درونی انسان است. (سلیمی، ۱۳۸۹: ۴۷)

اما صاحب نظران آموزشی معتقدند که تمثیل با ظرافت خاصی که در تجسم بخشیدن به مفاهیم پیچیده دارد به شنونده یا خواننده می‌آموزد که هر چیز واحد، یک ساخت است و در درون هر ساختی تغییر همواره امکان پذیر است و این که همواره بیش از یک منظر یا دیدگاه وجود دارد. (صاحبی، ۱۳۸۷: ۸۶)

از آنچه که ذکرش رفت، می‌توان چنین دریافت که در حوزه‌های مختلف کاربرد تمثیل متفاوت و دگرگونه است که آنها را فهرست وار می‌توان این گونه برشمرد:

- در حوزه‌ی آموزشی کاربرد تمثیل توضیح و تبیین معنا و تجسم بخشیدن به مفاهیم دشوار است.
- در حوزه‌ی دینی کاربرد تمثیل علاوه بر آموزش تجسد بخشیدن به مفاهیم انتزاعی است.
- در حوزه‌ی اخلاق و سیاست کاربرد تمثیل در قدرت اثبات و اقناعی است که برای گوینده فراهم می‌آورد.
- در منطقی از اقسام پنج‌گانه ی استدلال و از اقسام حجت است.
- در حوزه‌ی کاربردی تسهیل کننده آموزش عمومی است.

- در حوزه‌ی فردی پایان بخش تعارض‌های درونی و پدیدآورنده‌ی آرامش روانی است.
- در حوزه‌ی روان‌شناسی با حسی کردن آگاهی‌های ذهنی، آن‌ها را تثبیت می‌کند.
- «در حوزه‌ی اجتماعی، آنجا که به دلایل مختلف بیان اندیشه با مشکل مواجه می‌شود، تمثیل راهی است برای پوشیده‌گویی و پرهیز از خطر». (فتوحی، ۱۳۸۳-۱۳۸۴: ۱۷۱)
- تمثیل در حوزه‌ی ادبی، خصوصاً در نثر و زبان عامه علاوه بر کاربرد آموزشی جنبه‌ی توصیفی و انتقال احساس از راه درک تشابه را برعهده می‌گیرد.

تمثیل (مثالک) در کلیدر

با منطبق ساختن تعاریف صوری و محتوایی تمثیل بر شواهد موجود در کلیدر می‌توان دریافت که تمثیل‌های به کار برده شده در کلیدر از لحاظ صوری در قالب مثالک جای می‌گیرند و از لحاظ محتوایی شکلی موجز و مختصر از فابل می‌باشند. برای شرح این مدعا لازم است به بررسی و شرح و بسط این شواهد پرداخت تا در گام اول شاخص‌های آن‌ها را با تمثیل مطابقت داده و در گام دوم، کاربرد آن‌ها را مورد بررسی قرار دهد.

الف: ویژگی تمثیلی مثالک‌ها در کلیدر:

- **شباهت:** مبنای تمثیل بر شباهت میان صورت و مضمون (محسوس و مدلول) است. بررسی ساختار مثالک‌ها در کلیدر آشکار می‌سازد که این اصل شباهت در اغلب آن‌ها چنان مشهود است که شنونده و خواننده به آسانی بدان‌ها پی می‌برد. مانند: «مثل اسب‌های سال قحطی وامانده شده‌ام» (۲۹۱/۱)
- گل محمد در توصیف واماندگی خویش، خود را به اسب‌های سال قحطی تشبیه می‌کند که درمانده و ناتوانند.

در جمله‌ای دیگر گل محمد، در بیان مصیبت مرگ ناگهانی گوسفندان نشان می‌گوید:
«مثل برگ از درخت می‌ریزند و می‌میرند.» (۳۵۴/۱)

استفاده از عناصر طبیعی، آشنا و آسان فهم در زبان عامه امری خود به خودی غریزی زبان است و تشبیه این گونه از زبان همچون ساختار آن، ساده و طبیعی خواهد بود. در جدول زیر به چند نمونه از این شباهت‌ها اشاره می‌شود:

مثالک	دال	مدلول	وجه تشابه	مرجع
مثل اسب خراس	اسب خراس	عمر مندلو	چرخیدن	ج ۲ / ۴۲۰ ص
مثل مرغ سرکنده	مرغ سرکنده	شیر و	سرگردانی و پریشان‌حوالی	ج ۱ / ۱۱۴ ص
مثل خر و نعل بند	خر و نعل بند	بیگ محمد و صبرخان	حیرت و هراس	ج ۱ / ۲۰۴ ص
تیری به تاریکی	تیری به تاریکی	اقدام محمد جمعه	کاری با سرانجام نامعلوم	ج ۱ / ۲۶۶ ص
سگ و گربه	سگ و گربه	مردم	نزاع مستمر	ج ۲ / ۵۰۳ ص

● **تصویری بودن:** «تمثیل ترجمه‌ی مفهومی انتزاعی به زبان تصویر است» (ولک، ۱۳۷۴، ج ۲: ۲۰۸)

دولت آبادی در یکی از تصویرسازی‌هایش برای بیان تنگی و ضعیف بودن محصول گندم کشاورزان آنها را به ریش بز مانند می‌کند. «گندم مثل ریش بز.» (۱۹۲/۱) یا در بیان تفاوت چوپانان با کشاورزان و آبیاران از زبان زیور که خود را زن یک چوپان می‌داند می‌گوید: «من زن اویار نیستم تا مثل ملخ به خاک بچسبم.» (۲۰۶/۱) وابستگی به زمین برای ایلیاتی‌های کوچ رو، تحقیرآمیز به شمار می‌آید پس با آوردن تمثیل ملخ و خاک از جماعت کشاورز، به سبب وابستگی به زمین تبری می‌جوید.

● **عقلانی بودن:** تصویرگری از تشبیه حسی آغاز می‌شود بعد به استعاره می‌رسد که درونی‌تر از تشبیه است و تمثیل در مرحله‌ای بالاتر که ساحت عقلانیت است قرار دارد. به همین سبب است که تمثیل جهان‌گیرتر و جاودانه‌تر از فرم استعاری است. (فتوحی، ۸۳-۱۳۸۴: ۱۶۹)

غالب مثالک‌های کلیدر مرتبط با فضای فکر و اندیشه‌اند حتی اگر این اندیشه به عوامی متعلق باشد که آن را به شیوه‌ی تجربی و از روزگار آموخته‌اند. آنجا که شیرو برای مارال مفهوم عشق را توضیح می‌دهد، تکیه بر احادیث و روایت دینی نمی‌کند. بلکه می‌گوید: «عشق مثل باد کویر است وقتی آمد چشم‌ها را کور می‌کند.» (۱۰۸/۱) استفاده از عناصر حسی برای توضیح امری انتزاعی فرآیندی کاملاً عقلانی است.

● **دلالت‌گری:** تمثیل چون به قلمرو مفاهیم تعلق دارد به مفهومی خاص دلالت می‌کند مانند: دلالت باد بر سرعت (۳۷۱/۲) دلالت دود، بر ابهام و پیچیدگی (۳۸۱/۲) نی، بر نحیف بودن (۲۸۷/۱) کنه، بر چسبندگی (۱۲۱/۱) کبک، بر خوش خرامی (۱۹۷/۱) آب، بر روانی و نرمی (۲۷۴/۱) و...

دلالت‌های کلیدر منبعت از زیست محیط شخصیت‌های داستان است. عناصری چون آب، باد و حیواناتی که هریک به خصیصه‌ی معینی شناخته می‌شوند، در دسترس‌ترین و عمومی‌ترین ابزارهای تمثیل در رمان کلیدر می‌باشند زیرا درک و شناخت آنها نیازمند هیچ کوششی ذهنی نیست و در درک مفهوم مدلول، هیچ‌گونه گرهی ایجاد نمی‌کند.

● **داشتن خاستگاه:** در رمانی چون کلیدر بدیهی‌ترین فرضیه در زمینه‌ی خاستگاه مثالک‌ها، زندگی و تجربه‌ی شخصیت‌های داستان است. گل محمد، محمدیگ، مارال، زیور، شیرو، بلقیس و... در فضایی زندگی می‌کنند که بیشترین آموزه‌هایشان ناشی از ارتباط آنها با عناصری چون گیاهان، حیوانات، زمین، آب، خاک و حوادث غیرقابل پیش‌بینی طبیعی است. آنان چون همه‌ی انسان‌ها با تجربه‌هایشان زندگی می‌کنند و تولیدات زبانی آنها اعم از ضرب‌المثل‌ها، کنایه‌ها، مثل‌ها و مثالک‌هایشان وامدار تجربه‌هایشان

است لذا زبان آنها آینه تجربه‌هایشان می‌گردد و آنها را منعکس می‌نماید.
خاستگاه غالب مثالک‌هایی که در ارتباط با حیوانات است به تجربه‌های روزمره‌ی شخصیت‌های داستان باز می‌گردد. مانند:

«مثل یک بزغاله ورجیک و فروجیک می‌کرد و دمی آرام نداشت.» (۱۰۸/۱)، در وصف زیور از زبان شیرو.

«در پرسش‌های پیاپی خود مثل سگ زوزه می‌کشید.» (۲۵۹/۱)، در وصف نادعلی
«دست و پایش بسته است، همین طور مثل بزقاره تیر می‌پراند.» (۳۳۷/۱)، در وصف

قدیر

در برخی از مثالک‌ها از عناصری چون آب و باد بهره گرفته می‌شود با همان صفاتی که همه آن را می‌شناسند. مانند:

«مثل آب روان کار برایت می‌کنم.» (۲۶۶/۱) از زبان محمدجمعه در انجام کاری سخت.

«مثل باد میان ڈرمنه زار می‌افتد.» (۳۷۱/۲) توصیف حیدر از زبان مسلم در چالاکی و سرعت وی.

خاستگاه بعضی از مثالک‌ها به داستان‌هایی باز می‌گردد که بین مردم و جامعه داستانی کلیدر آشنا بوده است. مانند:

«آنقدر آب می‌خورد که شکمش می‌شود طبل اسکندر.» (۲۹۱/۱)
فرهنگ‌های لغت به نسبت دادن طبل به اسکندر مقدونی اکتفا کرده‌اند. اما در الهی‌نامه

عطار مقاله چهاردهم در حکایت اسکندر و مرگ او، به این طبل اشاره شده است:

سکندر در کتابی دید یک روز	که هست آب حیات آبی دل افروز
کسی کز وی خورد خورشید گردد	بقای عمر او جاوید گردد
دگر طبلی است با او سرمه دانی	که هر دو هست کار خرده دانی

شعرای دیگری چون نظامی و اخوان ثالث در اشعار خویش به این طبل اشاره

نموده‌اند.

در مثالک دیگری در توضیح احوال قدیر آورده شده است که: «قدیر دست و پایش بسته است همین طور مثل بز نقاره تیر می‌پراند.» (۳۳۷/۱) ظاهراً خاستگاه این مثالک به داستانی کودکانه برمی‌گردد که در آن بزهای نقاره زن و داریه زن یکی یکی تلف می‌شوند. منشأ این قصه از هر زمانی که باشد، کاربرد آموزشی دارد زیرا با تلف شدن هر بز ارقام روبه کاهش می‌گذارند.

خاستگاه یکی از مثالک‌های کلیدر به اسطوره‌ها و افسانه‌ها باز می‌گردد و در ادبیات ایران مکرر شنیده و تکرار شده است. اصلان یکی از شخصیت‌های رمان کلیدر می‌خواهد با دختر علی اکبر حاج پسند وصلت نموده و اموال او را صاحب شود. راوی داستان او را چنین مانند می‌کند: «می‌خواهد روی مال او مثل افعی بر گنج کفچه بزند.» (۳۲۹/۱)

مار در تمدن‌های پیش از تاریخ نماد باروری بود و پوست اندازی سالانه آن‌ها نشان بی‌مرگی تلقی می‌شده و در برخی فرهنگ‌ها نام مار و تصویر وی با دارو و درمان همراه است. اما حقیقت این است که فهم مردم از این کهن‌الگو در طول زمان تغییر کرده است. در ادیان سامی و آریایی مار جانوری نکوهیده و اهریمنی است. (ظاهری، ۱۳۹۳: ۲۶)

اما در سفالینه‌های سیلک نقش مار بر روی ظرف‌های آب اشاره‌ای احتمالی به تکرار نقش احتمالی مار دارد که نگهبان آب شمرده می‌شد. (گیوشمن، ۱۳۷۹: ۵۷)

«نقش مار بر کوزه‌های آب، نشانگر هم‌بستگی‌اش با برکت و بارندگی و پاییدن آب است اگرچه ما هنوز مار را نگهبان گنج‌ها می‌دانیم در ایران کهن نیز مار را حافظ زندگی و آب‌ها می‌دانستند.» (بهار، ۱۳۷۷: ۴۶)

البته قابل درک است که در سرزمین کم‌آب ایران، گنج استعاره‌ای از آب باشد.

● **ایجاز:** دیگر ویژگی مثالک‌ها در کلیدر، ایجاز و اختصار است. مثالک‌ها از خانواده مثل‌ها و وارث برخی ویژگی آن‌ها می‌باشند لذا این خصیصه را وامدار وابستگی خویش‌اند.

ایجاز مثل‌ها در طول زمان روی می‌دهد و مردم در محاوره و گفتگو خود را ملزم به حفظ بخش‌هایی می‌دانند که کارآیی و کاربرد بیشتری دارد، مثلاً در بیت زیر از امیرخسرو دهلوی:

به پای شمع شنیدم زقیچی پولاد زبان سر سبز می‌دهد بر باد

(شکورزاده، ۱۳۸۲: ۵۹۰)

به مرور زمان مصراع دوم این بیت حفظ و مصراع اول تکرار نشده است. ایجاز مثل‌ها هم از نوع ایجاز قصر است و هم حذف، یعنی؛ در ایجاز قصر در برخی از مثل‌ها عبارت کوتاه و معنی بسیار است بدون اینکه حذفی انجام گرفته باشد اما در ایجاز حذف قرینه‌ای لفظی یا معنایی در جمله وجود دارد که به سبب آن قرینه، کلماتی حذف می‌شوند. ایجاز در مثالک‌های کلیدر غالباً از نوع ایجاز قصر است و این شیوه «یک اسلوب قانع کننده و رضایت بخش است که بیشترین اندیشه را با کمترین واژگان، ارائه می‌دهد.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۱: ۲۴)

گاه هم زمینه داستانی و تاریخی مثالک‌ها از اسباب اختصار و ایجاز شمرده می‌شود یعنی؛ با آوردن عبارت مثل طبل اسکندر (۲۹۱/۱) یا مثل افعی بر گنج کفچه زدن (۳۲۹/۱) یا مثل بز نقاره (۲۳۷/۱) ذهن مخاطب و گوینده، چون داستان را می‌داند، به معنا رهنمون می‌شود و این گونه ایجاز، ایجاز قصر است.

● **سادگی:** ویژگی دیگر مثالک‌های کلیدر، سادگی زبانی آن‌هاست. یعنی؛ فاقد لغات بیگانه هستند. و از لحاظ دستوری ساختار پیچیده‌ای ندارند و ساختمان آن‌ها اغلب مطابق زبان معیار است.

برخی از مثالک‌ها و مثل‌های کلیدر تحت تأثیر زبان بومی و اقلیمی جامعه داستانی آن قرار دارد و واژگانی در آن به کار برده شده که متعلق به جامعه «کلمیشی» ها است اما همین واژگان در آن جامعه آشنا است. چرا که از دلایل کاربرد این مثل‌ها و مثالک‌ها در زبان عمومی، همین سادگی الفاظ و سهولت و روانی ساختار آن‌ها است.

ب: کاربرد مثالک‌های کلیدر:

پایه‌ی تمثیل، تشبیه‌سازی است. یکی از ویژگی‌های رمان کلیدر که سبب شاخص شدن این رمان از سایر نثرهای داستانی عصر خویش می‌گردد تشبیه‌های نغز و توصیف‌های اقلیمی است. کثرت این شبیه‌سازی‌ها و توصیف‌ها گاه سبب شده که منتقدان زبان به نقد گشوده و به کمیت و انبوهی آن ایراد وارد نمایند. آنچه در مورد کلیدر بیان می‌شود در مورد برخی رمان‌های بزرگ جهانی هم صادق است.

تصویرگری و وصف از اغراض شعری به شمار می‌رود که در نثر راه یافته است و از مهم‌ترین موضوع‌های ادبی و از نظر شمولی که بر غالب فنون دارد پر ارج‌ترین فن سخنوری محسوب می‌شود. (مؤتمن، ۱۳۴۶: ۳۸)

میرصادقی در تعریف وصف یا تصویر خیال می‌گوید: تصویر خیال یا ایماژ، صورت ذهنی است که هنرمند با یاری کلمات از برداشت‌های عاطفی و ادراکی خود از طبیعت و اشیای دور و بر خود به دست می‌دهد تا از طریق انواع آن و تشبیه، استعاره، تمثیل، نماد و... تجربیات خود را به ذهن خواننده یا شنونده انتقال بدهد. (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۶۴)

یکی از شیوه‌های توصیف در کلیدر استفاده از تمثیل است یا به معنایی دیگر، دولت آبادی تمثیل را به عنوان ابزاری کارآمد در خدمت توصیف بیشتر می‌گیرد. شواهدی که در بخش‌های پیشین آورده شد تنوع موضوع و مضامین تمثیل و توصیف را در کلیدر نشان می‌دهد.

گاه گونه‌های دیگری از تمثیل‌های رمزی هم در کلیدر به چشم می‌خورد مانند: «در این دوره مثل این است که آدم میان یک بیابان پر برف دارد راه می‌رود. خودش شاید نداند، اما چشم‌های گرگ‌هایی مراقبش هستند که ببینند، کی او دست و پاهایش کرخ می‌شود و به زانو در می‌آید... همین که دیدند قدم‌های تو کمی می‌لغند و بوران گیج ات کرده یواش یواش پیدایشان می‌شود و دوره‌ات می‌کنند وقتی که دورت ات کردند، دیگر کار تمام است.» (۷۵۰/۳)

گرگِ مثالی این بند، تمثیل رمزی انسان‌های فرصت طلب و بی رحم همه‌ی جوامع و اعصار است. از شواهد فراهم شده در این پژوهش می‌توان استنباط کرد که مثالک‌ها در کلیدر به اختصار کاربردهای زیر را داشته‌اند:

- فضا سازی و تصویر سازی برای بیان تلویحی و غیرمستقیم مضامین.
- تمثیل به عنوان ابزاری در خدمت توصیف.
- به نمایش گذاشتن سطح آگاهی نویسنده با فرهنگ عامه.
- نشان دادن قدرت خلاقه نویسنده در خلق یک اثر هنری.
- ایجاد التذاذ ادبی در خواننده و شنونده و فهم آسان فضای داستان.

از میان کارکردهای فوق، مورد اول و دوم آگاهانه بوسیله‌ی نویسنده اعمال شده است و موارد بعدی کارکردهای می‌باشند که با فراهم شدن موارد یک و دو به عنوان زمینه اصلی، خود به خود و سلسله وار حضور می‌یابند.

نتیجه

کلیدر رمانی حجیم است که بخش بزرگی از این کمیت را توصیف‌های مفصل و کش داری می‌سازد که با استفاده از شیوه‌های بلاغی چون تشبیه، تمثیل، استعاره، تشخیص، آوردن صفت‌های پی در پی و پرداختن به جزئیات حوادث، فراهم آمده است. در این اثر، از میان اشکال مختلف تمثیل، سه گونه مثل، مثالک و تمثیل‌های رمزی و نمادین کاربرد داشته‌اند که مثالک‌ها بسامد بیشتری دارند. توجه به زبان شخصیت‌ها، محیط و فضای زندگی آنان، استفاده از این ابزارهای زبانی را قابل فهم می‌کند. شخصیت‌ها به زبان عامه تجربه‌های خویش را واگویی می‌کنند لذا از لحاظ محتوایی استفاده از مثل‌ها، کنایه‌ها، تمثیل‌ها، دشنام‌ها و ... غریزه زبان آنها به شمار می‌آید. از جنبه ساختاری هم واژگان و نحو کلمات بر پایه و فرم زبان عامه استوار است. آنچه در این گونه از زبان شایسته توجه است سادگی ساختاری و معنایی و تأثیرپذیری بیش از اندازه‌ی زبان از محیط طبیعی، زیستی و فرهنگی جامعه زبانی خویش است، البته شایان توجه است که

رنگ منطقه‌ای و محلی برخی واژگان و اصطلاحات، کنایه‌ها و مثل‌ها، گاه خواننده را در درک رخی بندها به درنگ وا دارد. دولت آبادی در استفاده از ابزارهای بلاغی چنان ماهرانه عمل می‌کند که خواننده فاصله‌ای بین زبان شخصیت‌ها و خود آنان احساس نمی‌کند. خلاصه اینکه از کارکرد تمثیل‌ها در کلیدر چنین می‌توان نتیجه گرفت.

- تمثیل (مثالک) از ابزارهای توصیف در نثر کلیدر است.
 - مثالک‌ها نسبت به سایر اشکال تمثیل بسامد بیشتری دارند. (در دو جلد اول و دوم)
 - در ۶۱٪ از موارد مورد بررسی یک طرف مثالک‌ها (دال) حیوانات بودند.
 - در ۱۱٪ از موارد مورد پژوهش یک طرف مثالک‌ها (دال) گیاهان بودند.
 - در ۱۱٪ از موارد مورد پژوهش یک طرف مثالک‌ها (دال) آخشیج‌ها بودند.
 - ۱۷٪ دیگر به سایر عناصر تعلق داشت.
- از اعداد و ارقام بدست آمده می‌توان استنباط کرد که تأثیر تجربه‌های محیطی و زیستی در استفاده از ابزارهای زبانی تا چه اندازه چشمگیر است.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم (۱۳۸۶) ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: جامی.
۲. بهار، مهرداد (۱۳۷۷) از اسطوره تا تاریخ، تهران: چشمه.
۳. پورنامداریان، تقی (۱۳۷۵) رمز و داستان‌های رمزی، تهران: علمی و فرهنگی.
۴. تقوی، محمد (۱۳۷۶) حکایت‌های حیوانات در ادب فارسی، تهران: روزنه.
۵. حسینی کازرونی، سید احمد (۱۳۹۴) تمثیل و ادبیات تمثیلی، فصل‌نامه تحقیقات تعلیمی و غنایی در ادب فارسی، شماره پیاپی ۲۳، بوشهر دانشگاه آزاد اسلامی، صص ۱۳-۲۴.
۶. ----- (۱۳۹۴) نگرشی به تمثیل در ادبیات تعلیمی، فصل‌نامه تحقیقات تعلیمی و غنایی در زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر.
۷. حق شناس، محمدعلی (۱۳۷۹) فرهنگ فارسی عامیانه یا گفتاری، کدام؟ نشر دانش، سال هفدهم - تابستان، شماره ۲، صص ۵۹-۶۵.
۸. دولت آبادی، محمود (۱۳۸۲) کلیدر، تهران: چشمه.

۸. رضایی، عرب علی (۱۳۸۲) واژگان توصیفی ادبیات انگلیسی- فارسی، تهران: فرهنگ معاصر.
۹. سلیمی بچیستانی، حسین (۱۳۸۹) کاربرد تمثیل در بازسازی شناختی، رشد مشاور مدرسه، تابستان، شماره ۲۰، صص ۴۶-۴۹.
۱۰. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۶)، صورخیال در شعر فارسی، تهران: آگاه.
۱۱. شکوزاده، ابراهیم (۱۳۸۲) دوازده هزار مثل فارسی، مشهد: قدس رضوی.
۱۲. شمیسا، سیروس (۱۳۷۰) انواع ادبی، تهران: میترا.
۱۳. صاحبی، علی (۱۳۸۷) تمثیل درمانگری، کاربرد تمثیل در بازسازی شناختی، تهران: سمت.
۱۴. طاهری، صدرالدین (۱۳۹۳) واژگونی مفهوم یک نماد، نشریه هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی، دوره ۲۰، شماره ۳۰، پاییز صص ۲۵-۳۴.
۱۵. فتوحی، محمود (۱۳۸۳-۱۳۸۴) تمثیل، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، س ۱۲ و ۱۳، شماره ۴۷-۴۹، زمستان ۸۳ و بهار و تابستان ۸۴.
۱۶. گیرشمن، رومن (۱۳۷۹) سیلک کاشان، ترجمه اصغر کریمی، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
۱۷. مؤتمن، زین العابدین (۱۳۴۶) شعر و ادب فارسی، تهران: بنگاه مطبوعاتی افشاری.
۱۸. میرصادقی، جمال و میمنت میرصادقی (۱۳۷۷) واژه‌نامه‌ی هنر داستان نویسی، تهران: کتاب مهناز.
۱۹. ولک، رنه (۱۳۷۴) تاریخ نقد جدید، ترجمه سعید ارباب شیرانی، تهران: نیلوفر.